

Functions of Endowment in the Seljuks Focusing on its Difference with the Economy Trust

Sediqeh Iranpour¹, Iraj Jalali^{2*}, Ali Rahimi Sadeghi³.

1. PhD student in History of Islamic Civilization and Nations, Faculty of Literature and Humanities, Baft Unit, Islamic Azad University, Baft, Iran.

2. Assistant Professor, Department of History of Islamic Civilizations and Nations, Baft Department, Islamic Azad University, Baft, Iran.

3. assistant professor of the Department of History of Civilization and Islamic Nations, Baft Department, Islamic Azad University, Baft.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 127-146

Article history:

Received: 5 Sep 2022

Edition: 29 Oct 2022

Accepted: 13 Dec 2022

Published online: 1 Jul 2023

Keywords:

Endowment, Seljuqs, Trust, Economic function.

Corresponding Author:

Iraj Jalali

Address:

Iran, Baft, Islamic Azad University, Baft Unit, Department of History of Civilization and Islamic Nations

Orchid Code:

0000-0002-3448-5240

Tel:

09133478244

Email:

jalali_i@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Purpose: Endowment has been associated with various ups and downs in different periods, including the Seljuk period. The economic aspects of endowment in the Seljuk period have not been investigated, and in this paper, while explaining the economic functions of the endowment in the Seljuk period, its difference with the economic trust has been investigated.

Materials and Methods: This paper is descriptive and analytical and library method is used.

Ethical Considerations: In this paper, the originality of the text, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: Endowment expanded during the Seljuk period and had economic functions in this period. The economic functions of Endowment in the Seljuq period include construction measures and the establishment of caravanserais and aqueducts, which were established and managed through the income from Endowment. Endowment can be effective in reducing poverty and creating employment and fairer distribution of economic resources. Regarding the difference between endowment and economic trust, the findings show that endowment and trust are formed in different cultural contexts. In creating an endowment, the primary motive and purpose is the intention of closeness and creating charity, but the institution of trust was created because in the Middle Ages, the rules of common law prevented the inheritance of land, so trust is an escape from the rules of common law. In spite of the similarities, the trust institution has fundamental differences with the endowment in terms of its nature, subject, powers of the trust as a manager, transfer of the property subject to the trust.

Conclusion: The economic functions of endowment should be more focused and used in line with economic growth and development.

Cite this article as:

Iranpour S, Jalali I, Rahimi Sadeghi A. Functions of Endowment in the Seljuks Focusing on its Difference with the Economy Trust. Economic Jurisprudence Studies. 2023.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

کارکردهای اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان با تأکید بر تفاوت آن با تراست اقتصادی

صدیقه ایران پور^۱، ایرج جلالی^{۲*}، علی رحیمی صادقی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ تمدن و ملل اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ تمدن و ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

۳. استادیار گروه تاریخ تمدن و ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: وقف در دوره‌های مختلف از جمله سلجوقیان با فراز و فرودهای مختلفی همراه بوده است. ابعاد اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان مورد بررسی قرار نگرفته و در این مقاله تلاش شده ضمن تبیین کارکردهای اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان، تفاوت آن با تراست اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: وقف در دوره سلجوقیان گسترش یافت و در این دوره دارای کارکردهای اقتصادی نیز بود. کارکردهای اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان شامل اقدامات عمرانی و تأسیس کاروانسراها و قنات‌هاست که ایجاد و اداره آن‌ها از طریق درآمد حاصل از وقف بود. وقف می‌تواند در کاهش فقر و ایجاد اشتغال و توزیع عادلانه‌تر منابع اقتصادی تأثیرگذار باشد. در خصوص تفاوت وقف با تراست اقتصادی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد وقف و تراست در خواستگاه‌های فرهنگی متفاوت شکل گرفته‌اند. در ایجاد وقف، انگیزه و هدف اولیه، قصد قربت و ایجاد صدقه جاریه می‌باشد ولی نهاد تراست به این خاطر درست شده است که چون در قرون وسطی قواعد کامن لا مانع از توارث زمین می‌شد، لذا تراست، راه‌گریزی از قواعد کامن لا بود. نهاد تراست با وجود شباهت‌ها، از حیث ماهیت، موضوع، اختیارات تراستی به عنوان مدیر، انتقال مال مورد تراست تفاوت‌های بنیادین با وقف دارند.

نتیجه‌گیری: بر کارکردهای اقتصادی وقف تمرکز بیشتری شده و از آن در راستای رشد و توسعه اقتصادی استفاده شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۷-۱۴۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

واژگان کلیدی:

وقف، سلجوقیان، تراست، کارکرد اقتصادی

نویسنده مسئول:

ایرج جلالی

آدرس پستی:

ایران، بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، گروه تاریخ تمدن و ملل اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۳۳۴۷۸۲۴۴

کد ارکید:

0000-0002-3448-5240

پست الکترونیک:

jalali_i@yahoo.com

۱. مقدمه

دیوان در دوره‌ی سلجوقیان و هم چنین اهمیت وقف در جامعه آن روز، در منابع به جای مانده از این دوره بسیار کم از این دیوان مهم صحبت شده است و به گفته‌ی لمبتون موقعیت دیوان اوقاف در این دوره‌ی مهم از تاریخ ایران تا حدودی در بوته‌ی ابهام است (لمبتون، ۱۳۸۶، ۳۹). پژوهش‌های متعددی در زمینه وقف در دوره سلجوقی انجام شده است: عثمان توران و حجت فخری، در مقاله‌ای به بررسی وقف نامه‌های دوران سلجوقی پرداخته‌اند (توران؛ فخری، ۱۳۷۹)، فاطمه سلطانی نژاد و سید محمد طیبی نیز در مقاله‌ای، نهاد وقف در دوره سلاجقه کرمان در فاصله سال‌های ۵۸۳-۴۳۳ ه.ق، را مورد بررسی قرار داده‌اند (سلطانی نژاد؛ طیبی ۱۴۰۰). اما هدف مقاله حاضر این است هم کارکردهای اقتصادی وقف در دوره سلجوقی بررسی شود و هم تفاوت وقف با تراست اقتصادی تبیین و تحلیل گردد. سؤال مقاله حاضر بدین شکل قابل طرح است که وقف در دوره سلجوقیان داری چه کارکردهای اقتصادی بوده و اساساً تفاوت وقف با تراست اقتصادی چیست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که: «در دوره سلجوقیان، از وقف در راستای اقدامات عمرانی و تأسیس کاروانسراها و قنات‌ها استفاده می‌شد. وقف از جهت انگیزه ایجاد، اهداف، ماهیت و وظایف متولی با تراست متفاوت است.» به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا، دوره سلجوقیان و جایگاه وقف در این سلسله بررسی می‌شود، سپس کارکرد اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان بررسی شده و در نهایت با اشاره به کارکردهای اقتصادی وقف، تفاوت آن با تراست تبیین و تحلیل می‌گردد. رویکرد مقاله حاضر به این سمت و سو می‌باشد که از کارکرد

وقف، نقش مهمی در تأسیس و تداوم نهادها و مراکز فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی داشته و در ادوار مختلف تاریخ ایران از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. شرایط نوین جامعه در عهد سلجوقی، همچون گسترش جغرافیایی قلمرو، تکاپوی سلاطین سلجوقی جهت کسب مشروعیت سیاسی از طریق مذهب، تنش دین و سلطنت خلافت عباسی و در عین حال رقابت خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی با خلفای فاطمی در مصر، و منازعات مذهبی، علاوه بر تغییر کارکردهای وقف، بر پراکندگی جغرافیایی اماکن اوقافی و تنوع بنیادهای وقفی تأثیر عمیقی گذاشت. در سیستم حکومتی سلجوقیان دیوان اوقاف وجود داشت. این دیوان که بخشی از دیوان قضا می‌باشد به طور مستقیم تحت نظارت قاضی‌القضات قرار داشت و متصدی نگاهداری از املاک و اموال وقفی و نظارت بر چگونگی بکارگیری آن‌ها بود (لمبتون، ۱۳۸۶، ۳۹). وقف اموال گاه به منظور رعایت اموال معنوی بود و گاهی نیز به دلایل سیاسی و ترس از مصادره‌ی اموال توسط حکومت، در این صورت واقف اطمینان داشت که اموال خود را وقف امور عام‌المنفعه و خیریه کرده است و حکومت نیز آن را تصاحب نمی‌کند (احمدی، ۱۳۶۸، ۲۵۸-۲۵۹). «در دوره سلجوقیان، به ویژه در زمان سلطنت آلب ارسلان و ملک‌شاه که خواجه نظام الملک، وزارت آن‌ها را بر عهده داشت، موقوفات زیادی از جمله مدرسه‌های «نظامیه» پدید آمد و تقریباً وقف پیشرفت چشم‌گیری یافت. در این دوره، حکومت مرکزی بر موقوفات نظارت داشت» (ریاحی سامانی، ۱۳۷۸، ۲۶ - ۳۱؛ ابن سلمان، ۱۳۷۲، ۶۰ - ۶۵؛ سلیمی فر، ۱۳۷۰، ۷۳ - ۷۷). علیرغم اهمیت زیاد این

۵. بحث

۵-۱. سلجوقیان

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان غز بودند که با مهاجرت از ترکستان، در مناطق نزدیک ماوراءالنهر ساکن شده و با دولت‌های سامانی، غزنوی و ایلک خانی همسایه شدند (نیشابوری، ۱۳۳۲، ۱۰)، دلیل نام‌گذاری سلجوقیان نیز برگرفته از نام رئیس آن‌ها سلجوق بن دقاق است (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ۵۷۲۰-۵۷۱۹). از آنجا که شغل اصلی ترکان سلجوقی شبانی بود به همین دلیل سرزمین ماوراءالنهر که دارای چراگاه‌های زیادی بود می‌توانست محل مناسبی برای استقرار آن‌ها باشد (راوندی، ۱۳۶۴، ۸۷-۸۶)، آن‌ها کم‌کم با حکومت‌های اطراف، روابط دوستانه‌ای برقرار کردند و یکی از دلایل مهم این نزدیکی، اسلام آوردن سلجوقیان بود. سلجوق سه پسر به نام‌های ارسلان اسرائیل، میکائیل و موسی داشت، بعد از مرگ سلجوق، ارسلان اسرائیل به رهبری ترکان رسید ولی او در درگیری با سلطان محمود غزنوی به اسارت درآمد و در زندان مرد. مرگ او سبب خشم آل سلجوق و تحریک آن‌ها برای انتقام شد. در همین زمان که سلجوقیان به رهبری میکائیل پسر دیگر سلجوق، در پی رسیدن به اهدافشان، بودند در جریان سفر محمود غزنوی به بخارا از او خواستند تا اجازه دهد در خراسان ساکن شوند (کاشانی، ۱۳۳۶، ۵) و بین نساء و ابیورد اقامت گزینند (راوندی، ۱۳۶۴، ۹۲). محمود نیز با تصور این‌که با مرگ رهبر آن‌ها، قدرتشان تحلیل یافته، با درخواست آن‌ها موافقت کرد و آن‌ها از جیحون گذشتند و در خراسان مسکن گزیدند (حسینی، ۱۳۸۰، ۳۸). از میان فرزندان میکائیل سرانجام طغرل توانست اعتبار سلجوقیان را در منطقه افزایش دهد.

اقتصادی وقف در راستای رشد و توسعه اقتصادی استفاده شود.

۲. مواد و روش‌ها:

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی:

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها:

وقف در دوره سلجوقیان گسترش یافت و در این دوره دارای کارکردهای اقتصادی نیز بود. کارکردهای اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان شامل اقدامات عمرانی و تأسیس کاروانسراها و قنات‌هاست که ایجاد و اداره آن‌ها از طریق درآمد حاصل از وقف بود.

وقف می‌تواند در کاهش فقر و ایجاد اشتغال و توزیع عادلانه‌تر منابع اقتصادی تأثیرگذار باشد. در خصوص تفاوت وقف با تراست اقتصادی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد وقف و تراست در خواستگاه‌های فرهنگی متفاوت شکل گرفته‌اند.

در ایجاد وقف، انگیزه و هدف اولیه، قصد قربت و ایجاد صدقه جاریه می‌باشد ولی نهاد تراست و این خاطر درست شده است که چون در قرون وسطی قواعد کامن لامن از توارث زمین می‌شد، لذا تراست، راه‌گریزی از قواعد کامن لا بود. نهاد تراست با وجود شباهت‌ها، از حیث ماهیت، موضوع، اختیارات تراستی به عنوان مدیر، انتقال مال مورد تراست تفاوت‌های بنیادین با وقف دارند.

امپراطوری عظیم را به دست آورده بودند (حسینی، ۱۳۸۰، ۳۸).

سلاطین سلجوقی قدرت سیاسی و مذهبی را توأمان در کنار یکدیگر داشتند و شاید راز موفقیت و تسلط بر مردم و کشور در این مسئله نهفته باشد همان طور که گفته شده وجود افراد کاردانی نظیر خواجه نظام الملک بی تأثیر نبوده است ایشان تمامی تلاش خود را می‌کرد تا بتواند حکومت را تحت یک سیاست مرکزیتی واحد درآورد تا بتواند به آنچه می‌خواهد جامه عمل بپوشاند اما عدم تمرکز و جریان فئودالی‌تری که در جامعه عصر سلجوقی حکم‌فرما بود مانع از تحقق خواسته او شد. و با شکست روبرو گشت همین پاره‌پاره بودن امپراطوری سلجوقی خود عاملی شد که سلجوقیان برای مدتی مدید نتوانند روابط اقتصادی و سیاسی نواحی و مناطقی مختلف کشور را حفظ و متعادل نگه دارند چرا که یک جامعه فئودالی از هم گسیخته با نژادهای مختلفی بود که اداره آن و هماهنگی میان بخش‌های مختلف بسیار سخت بود و همان‌طور که می‌دانیم در دل این امپراطوری حکومت‌های مستقل بزرگ و مهمی وجود داشتند که عمرشان از خود دولت سلجوقی هم طولانی‌تر شد. به مانند سلجوقیان کرمان، کردستان، سوریه، آسیای صغیر (سلاجقه روم). این عوامل و در کنار آن آشفته‌گی‌های جانشینی که بعد از مرگ ملک‌شاه در میان فرزندان او رخ داده و نبود مشاوره کاردان شیرازه حکومت سلجوقی از هم گسیخت و به تدریج خوارزمشاهیان از میان خود آن‌ها قدرت را در دست گرفته و در هر گوشه از کشور اتابکان سر برآورده مدعی دولت و حکومت گردیده و به تدریج سقوط تدریجی آن آغاز گردید و با مرگ

بعد از مرگ سلطان محمود در سال ۱۰۳۶ / ۴۲۹ م سلجوقیان از حاکم نیشابور اجازه خواستند تا در آن شهر اقامت کنند، اما مسعود غزنوی - جانشین محمود - با این امر مخالفت کرد و همین موضوع، سبب شکل‌گیری نبردهایی بین دو گروه و سرانجام شکست غزنویان و آغاز حکومت سلجوقیان شد. طغرل سلجوقی، توانست در آخر شعبان سال ۱۰۳۶ / ۴۲۹ م با لقب رکن‌الدین طغرل بک ابوطالب محمد بن میکائیل بن سلجوق بر تخت بنشیند. دو سال بعد نیز در سال ۴۳۱ ه. ق سپاه سلطان مسعود غزنوی و سلجوقیان در محلی به نام دندانقان باهم روبه - رو شدند که در این جنگ، سلجوقیان به رهبری طغرل به پیروزی رسیدند (راوندی، ۱۳۶۴، ۱۰۰). و زمینه برای ایجاد حکومتی مقتدر و تأثیرگذار بنام سلجوقیان در تاریخ و فرهنگ ایران فراهم شد.

امپراطوری سلجوقی مانند همه حکومت‌ها زمانی در اوج قدرت و گاهی در سرآشویی سقوط بوده که هرکدام در پی عوامل و شرایطی به وجود آمده بود؛ در هر حکومتی زمانی که فردی کاردان و سیاست‌مدار به حکومت رسیده باشد آن دوره قطعاً دوران اوج و شکوفایی آن حکومت خواهد بود. البته همیشه افرادی که در اطراف حاکم مانند وزیر، مشاور قرار داشتند در این روند مؤثر بوده‌اند. دوران سلجوقی در زمان طغرل، آلپ ارسلان، ملک‌شاه، برکیارق و سنجر دوران اوج و اعتلای خود را تجربه کرده چرا که علاوه بر حضور حاکمان قدرتمند وزرای سیاستمداری چون خواجه نظام الملک، کندری و ... حضور داشته‌اند که سیاست آن‌ها روند تغییرات و تحولات را عوض کرده است. در زمان این سلاطین سلجوقی قلمرو سلجوقی از کاشمر تا انطاکیه گسترش یافته و یک

طغرل سوم در بخش غربی برای همیشه نام سلجوقیان ایران از میان رفت.

۵-۲. وقف در دوره سلجوقی

در سرزمینی که اساس حکومت آن بر پادشاهی و سلطنت است؛ به نوعی همه امور در دست سلطان قرار داشته چرا که رئیس تشکیلات سیاسی و مذهبی شناخته شده است، دوره سلجوقی از لحاظ سیاسی آنجایی که حکومتی مذهبی شمرده می شود بوده و از آنجایی که به عنوان جانشین و سایه خدا بر روی زمین شناخته می شده است دارای چنان قدرتی است پس تعیین سلسله مراتب تعیین مقامات عالی نیز توسط او انجام می گرفته است، پس می توان به این نتیجه رسید که در تعیین سلسله مراتب تولیت اوقاف، پادشاه نقش اساسی را بر عهده داشته، تأیید این گفته را می توان در تمامی تقلیدها و تفویض هایی که برای صاحبان مناصب و متولیان و کسانی که اوقاف را در دست داشته اند دید سلطان به عنوان کسی است که این مقامات را انتخاب کرده و به آنها قدرت را واگذار می کند شناخته و در رأس تشکیلات مذهبی از جمله اوقاف قرار داشته است (صادقی گلدره، ۱۳۶۲، ۳۴).

در تفویض تولیت اوقاف گرگان به عزیز الدین اثیر در دیوان سلطان سنجر آورده شده: «ثبات دولت در طلب رضاء حق سبحان و تعالی پیوسته است و استدامت نعمت او عزو اعلا کردن با اقامت شرایط شکرست و تحصیل رضاء ایزدی و اقامت شکر آن باشد که هر حقی (وقفی)، موضعی نهاد آید و هر مهم که به مصالح دینی و مهمات شرعی بازگردد تقدیم کرده شود و یکی از مصالح دینی و مهمات شرعی ترتیب کار اوقاف است که سبب بقاء آثار خیر و اعلام شرعیات است تا منافع و جداوی آن

به مستحقان برسد و معالم خیرات موبد و مخلد می ماند، پس تولیت اوقاف که در شهر گرگان و مضافات است به امیر اجل عزالدین اثیر به دست کفایت و شهامت او داده شده.» همان طور که آمده سلطان سنجر خود برای احیای حق و به عنوان یکی از مسائل دینی و شرعی به آن توجه داشته چراکه رسیدگی به آن علاوه بر مهم شرعی بقاء آثار خیر به حساب می آمده که از منافع آن نیازمندان و مستحقان بهره مند می شده اند و آثاری خیر و جاودان برای دولت و فرد واقف به همراه داشته، پس فردی شایسته و دارای یکسری شرایط برای ریاست آن را برمی گزیدند، فردی که از امانت داری و کوتاه دستی او مطمئن و از جمله خدمتکاران خالص و خاص به حساب آید، حتی گاهی در تعیین نائبین برای اوقاف هم خود سلطان وارد عمل شده و فرمان از طرف وی صادر می گشته، تا متولی بتوانند برای رسیدگی بهتر به وی اتکا کنند و مباشرت آن کار از نایبی سهیم و سدید، نیکو سیرت پسندیده طریقت متهدی در امور شرعی و معاملتی، واقف بر دقائق آن، چاره نتواند بود، فرموده آمد تا خواجه عمید ضیاء الدین که از تقات کفات حضرت و به شهامت و کفایت موصوف و موسوم و بسداد طریقت و حسن سمت مذکور و مشهور نیابت عزیز الدین تیمار آن مهم دینی می دارد.» (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ۵۷۲۰-۵۷۱۹)

با توجه به مسائل سیاسی و توجه سلاطین سلجوقی به مسئله وقف و اوقاف آن را می توان در چند مورد بررسی قرارداد: (۱) مهم ترین سیاست آن ها در این بود که، تشکیلات مذهبی را در دایره تشکیلات حکومتی محدود کنند این موضوع در منشورهای که از طرف دیوان حکام نواحی صادر می گشته می توان دیده که چگونه در کار

متولیان اوقاف نظارت داشته داشته‌اند تا تمامی متولیان تابع قدرت آن‌ها باشند و به این ترتیب با اعمال چنین نظارتی، که از طرف حکومت مرکزی بر آن‌ها اعمال می‌شده است سعی می‌شده است جلوی تعدی و دست درازی‌های گماشتگان بر این منصب گرفته شود (منتخب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴، ۳۳).

با نگاهی دقیق‌تر به منشورها و توقیع‌ها، حکومت برای ثبات دولت و بنیان پادشاهی و نظم و نسق بخشیدن به امور و رسیدگی به احوال مملکت، نیازمند کسب رضایت خداوند بوده‌اند و برای رسیدن به این مهم؛ رسیدگی به امور مذهبی از جمله مسائلی بوده است که می‌توانسته آن‌ها را از طریق اهتمام ورزیدن و رسیدگی به قواعد عدل و اجرای احکام اسلامی میسر گرداند. این امر در صورت وجود والیان و گماردن افرادی شایسته که دارای صفات نیکویی بوده‌اند میسر می‌گشته؛ تا با توجه کردن به امور و احیای معالم و اعلام دین آن را محقق گردانند که یکی از معالم دینی و رسومات شرعی رسیدگی به امور وقف بوده که از آن به عنوان «نازک‌ترین کارهای شرع» نام برده‌اند (منتخب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴، ۵۲-۵۳).

متولی اوقاف در این دوره بیشتر اوقات از طرف سلطان (طاهر؛ افشار، ۱۳۷۸، ۲۷۹) و یا کسی که دیوان زیر نظر او کار می‌کرد (منتخب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴، ۵۲). انتصاب می‌شد. در این دوران به کسی که نیابت تولیت دیوان اوقاف بر عهده‌ی او قرار می‌گرفت بسیار توجه می‌شد. نمونه‌ای از این توجه در فرمانی که در زمان سلطان سنجر به یکی از این افراد داده‌شده اشاره گردیده است. در این فرمان، تولیت نیابت دیوان اوقاف گرگان و نواحی اطراف آن به شخصی به نام عزیز الدین اثیر الاسلام محول و به او تأکید شده است که نیابت

گاهی نیز پیش می‌آمده است که تولیت اوقاف در یک خانواده به نسل‌های بعد منتقل می‌شده است، اما این امر نمی‌توانست دلیل بر موروثی بودن تولیت اوقاف در این دوره باشد (منتخب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴، ۳۵-۳۶). چنان که در منشور ارسالی از دیوان سنجر برای ظهیرالدین، از او که تولیت اوقاف مساجد و مشاهده‌مآزندان را به عهده داشته است خواسته شد تا تدریس در مدارس تکشی، کوزه و مدرسه‌ی سرسنگ و هر آنچه که به این مکان‌ها منسوب است از جمله اوقاف این مدارس و ... را بر عهده بگیرد (منتخب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴، ۳۶-۳۳).

وقف در دوره سلجوقیان حوزه‌های مختلفی از جمله آموزش را شامل می‌شد. در تاریخ آموزش اسلام، از آغاز تا قرن چهارم هجری قمری، باید از مساجد به عنوان مهمترین نهاد آموزشی نام برد که در پیشبرد و ارتقای علمی مسلمانان نقش کلیدی ایفا می‌کرد. اما از قرن چهارم به بعد به علل مختلفی از جمله ازدیاد دانشجویان و تنوع مباحث علمی، تأسیس مدارس وجه همت زمامداران حکومت قرار گرفت. طی قرون پنجم تا هفتم هجری تأسیس مدارس رو به فزونی گذاشت. این مدارس معمولاً توسط خیرین به

«محاسن ایام و وزارت او و معامله روزگار آن محتشم زیادت از آنست که این سواد احتمال شرح آن کند» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۸) احتمالاً تحت تأثیر همین وزیر عمارت دوست، تورانشاه دست به اصلاح ساختار شهر برد سیر زد.

نظام‌الملک از جمله افرادی بود که با ایجاد نظامیه‌ها در نقاط مختلف، از یک طرف به تربیت دیوانسالاری مبتنی بر عقاید شافعی پرداخت تا ساختارهای حکومت سلجوقی را تغییر دهد؛ و از طرف دیگر با ایجاد این مراکز و تخصیص دادن وقفیات فراوان به آنها که بیشتر به شکل امور عام المنفعه بودند باعث رفاه افراد جامعه گردید و به نحوی علاوه بر طلاب، دانشمندان و علمای دین بخش بزرگی از جامعه از آن بهره‌مند می‌شدند، علاوه بر این افراد دیگری هم به رقابت به نظام‌الملک برخاسته و به تقلید از او به انجام اموری شبیه به آن پرداخته، این فعالیت‌ها باعث رونق و گسترش وقف و اوقاف در این دوره شد، تا جایی که حتی برای حفظ درآمدها و عایدات اماکن و اراضی وقفی با گماشتن افراد با سابقه از خاندان‌های مشهور و همچنین قرار دادن دیوانی به عنوان دیوان اوقاف برای رسیدگی به امور، آن حاکی از اهمیت و داشتن جایگاه خاص در نزد سلاطین سلجوقی بوده است.

در دوران حکومت سلجوقی گسترش موقوفات، حکومت مرکزی را واداشت تا بر موقوفات نظارت کند و متولیان اوقاف را تحت سیطره‌ی حکومتی درآورد (صادقی گلدره، ۱۳۶۲، ۳۴). در این دوران، علی‌رغم سیطره‌ی سنی مذهب بر اوقاف ممالک، گاهی نیز پیش می‌آمد که تولیت اوقاف منطقه‌ای به سادات محول می‌شده است. برای نمونه می‌توان به واگذاری تولیت اوقاف مساجد و مشاهد

منظور کسب ثواب اخروی و خدمت به دین بنا می‌شدند و موقوفاتی برای آنها در نظر گرفته می‌شد. (صفا، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۱). با تأسیس نظامیه، نهضتی فراگیر در کشورهای اسلامی به منظور ایجاد مدارس شروع به بالیدن گرفت و بسیاری از بزرگان تحت تأثیر اقدامات وقفی نظام‌الملک به منظور کسب ثواب اخروی و خدمت مذهبی بفرکر تأسیس مدارس افتادند و با ایجاد مدارس و تهیه امکانات تحصیل برای دانش‌آموزان در نشر و تبلیغ علم نقش مهمی ایفا نمودند و بسیاری از علما و دانشمندان بزرگ توانستند به مدارج علمی برسند. تورانشاه سلجوقی علاوه بر حمایت از متصوفه و اهل خانقاه، به ساخت مدرسه در ریض شهر نیز همت گماشت. این اقدام او در چارچوب تعامل دین و حکومت و پیروی از الگوی نظام‌الملک در ساخت نظامیه، قابل تأمل بنظر می‌رسد. با توجه به اینکه علمای مذهبی در این دوره در حال رشد و قدرت‌گیری بودند می‌توان احداث مدرسه را در راستای جلب نظر ایشان دانست. (مرسل‌پور، ۱۳۸۷: ۶۹).

وزیر ملک تورانشاه، ناصرالدین اتابک مکرم بن علاء بوده است که خود را هم ردیف نظام‌الملک می‌دانست. در دورانی که آوازه و شهرت نظام‌الملک در تمام ممالک سلجوقی پیچیده بود و شرح خدمات و اقدامات وی در همه جا ورد زبانها بود طبیعی بود که وزرای حکومت‌های کوچکتر مانند مکرم بن علاء خود را به محک مقایسه با وی بزنند (مرسل‌پور، ۱۳۸۷: ۶۲). بنابر این دور از انتظار نیست که این وزیر نیز تحت تأثیر نظام‌الملک، به ساخت مدارس و یا بناهای عام المنفعه پرداخته باشد. اما متأسفانه در هیچ منبعی از آن ذکری به میان نیامده است. تنها افضل‌الدین کرمانی در توضیح کرامات این وزیر گفته است.

(صداقت کیش، ۱۳۸۶، ۴۵). کاروانسرا در دوره‌ی ساسانیان نیز وجود داشته است که به عنوان نمونه می‌توان به کاروانسرای کنار سیاه در فارس اشاره کرد. ولی با ظهور اسلام تغییر و تحولاتی در زمینه‌ی گسترش کاروانسراها به وجود آمد و بیشتر جنبه‌ی تجاری و بازرگانی پیدا می‌کند.

کشور ایران به دلیل قرار گرفتن در شاهراه غرب و شرق، و همچنین دارا بودن سرزمینی وسیع به ایجاد راه‌های تجاری و کاروانی و همچنین پل‌های متعدد و در نظر گرفتن امنیت راه‌ها اهمیت خاص قائل بوده است (دانش‌دوست، ۱۳۶۰، ۳۹).

احداث رباط یا کاروانسرا در ایران سابقه بسیار قدیمی داشته و ایرانیان در احداث کاروانسراها، جاده‌ها و همچنین سیستم ارتباطات پیش‌قدم بوده‌اند. سنت وقف کاروانسراها از تاریخ طولانی در سرزمین‌های اسلامی برخوردار است ولی متأسفانه امروزه اکثر این کاروانسراها از بین رفته‌اند، در دوره‌ی سلجوقیان نیز به ویژه در دوران حکومت آلپ ارسلان، ملک‌شاه، سلطان سنجر و هم‌چنین در زمان وزارت خواجه نظام الملک طوسی که تقریباً ثبات سیاسی در کشور برقرار شد، توجه به ساختمان‌های مذهبی و غیرمذهبی زیاد شد و کاروانسراها را نیز ساخته شد. ساختمان کاروانسراها مانند مدارس و مساجد این دوره با پلان ایرانی ساخته می‌شدند (دانش‌دوست، ۱۳۶۰، ۵۲).

از کاروانسراهای وقفی ساخته شده در این دوره می‌توان به کاروانسرای اشاره کرد که قاوردشاه در سردره، دستور ساخت آن را داد (منشی کرمانی، ۱۳۶۴، ۱۰). اطلاعات زیادی از جزئیات این کاروانسرا در منابع نیامده است فقط ذکر شده

و مدارس در این دوران به شخصی به نام سید ظهیرالدین که از سادات و علماء زمان خود بوده است اشاره کرد.

۵-۳. کارکرد اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان

دوره سلجوقیان در زمینه‌ی گسترش علوم اسلامی و هم‌چنین ساخت بناهای متعدد از قبیل مساجد، مدارس، کاروانسراها، و بیمارستان‌ها یکی از ادوار مهم تاریخ ایران به شمار می‌رود. بسیاری از این مراکز جزء مراکز وقفی محسوب می‌شد. در این دوره وقف به صورت‌های گوناگون صورت می‌گرفت. اوقاف شامل خانه‌ها، آسیاب‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، مساجد و مدارس بود که به هزینه‌ی افراد معینی ساخته می‌شد. همچنین اراضی‌ای که درآمد آن‌ها طبق نظر واقف صرف می‌شدند نیز جزو امور وقفی بودند. شاید بتوان گفت آغاز شکوفایی اوقاف در ایران بعد از اسلام، در دوره‌ی سلجوقی بوده است. (صداقت کیش، ۱۳۸۶، ۴۵). مراکز وقفی زیادی در این دوره توسط سلاطین و امرا به وجود آمد، به طوری که تعدادی از سلاطین سلجوقی و کارگزاران ایشان، بانیان بزرگ مساجد، مدارس، دارالشفاء‌ها و رباط‌ها بودند. میزان وقف در این دوره در شهرهای مختلف یکسان نبوده است. در شهرهایی که از مرکزیت سیاسی برخوردار بوده‌اند مانند ری، اصفهان، نیشابور و کرمان اوقاف بیشتری به چشم می‌خورد. در این قسمت به بررسی کارکرد اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. ساخت کاروانسراها

پادشاهان و بزرگان ایران چه پیش از اسلام و چه بعد از آن در ساختن بناها و آثار خیر به ویژه در بیرون شهرها و در کنار جاده‌ها اهتمام داشته‌اند

به نمایش می‌گذاشتند. سلجوقیان برای رسیدن به اهداف فوق در بین راهها و خارج شهرها اقدام به ساخت کاروانسراها و مرمت راهها نمودند.

۵-۳-۲. ساخت و نصب میلهای راهنما

یکی دیگر از اقداماتی که هم برای رفاه حال مردم منطقه‌ای که میل در آنجا ساخته می‌شد و هم برای مسافرانی که از آن مسیر می‌گذشتند بسیار مفید بود، ساخت میلهای راهنما بود. این میله‌ها بیشتر در کنار راه‌های اصلی و کوره راه‌ها ساخته می‌شدند. در این دوره نیز میله‌هایی با استفاده از درآمدهای به دست آمده از اوقاف ساخته شده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به میله‌هایی اشاره کرد که توسط قاوردشاه ساخته شده است. قاوردشاه مؤسس سلجوقیان کرمان پس از اینکه حکومت خود را تثبیت کرد اقداماتی برای رفاه حال مردم این منطقه انجام داد. یکی از اقدامات وی این بود که از سردره تا فهرج بم (لسترنج، ۱۳۸۳، ۳۴) که ۲۴ فرسخ است، در هر سیصد گام، میل (برج) بلندی به اندازه قامت دو نفر ساخت، به این دلیل که مردم در هنگام عبور شبانه دچار ترس نشوند و راه را گم نکنند. او همچنین مناره‌هایی به ارتفاع ۴۰ و ۲۵ متر بین کرک (دهخدا، ۱۳۴۵، ۴۵۶)، و فهرج ساخت (منشی کرمانی، ۱۳۶۴، ۶۷). پیرامون میله‌ها هر جا که مناسب بوده رباطها و آب انبارهایی نیز می‌ساخته‌اند و گاهی میل، خود نشانی از وجود چنین تأسیساتی بوده که برای آسایش مسافران ساخته می‌شده است (پیرنیا، ۱۳۷۰، ۱۴۷). وقف بر امور عام‌المنفعه یکی از مصارف اجتماعی و عمرانی وقف است که موارد گوناگونی از جمله ساخت و نصب میلهای راهنما را شامل می‌شود.

است که در ساخت این کاروانسرا از آجر استفاده شد و همچنین وقفی بوده است (منشی کرمانی، ۱۳۶۴، ۱۰). در هر یک از کاروانسراها چاه آب یا آب انباری نیز بوده که یا خارج و یا در داخل کاروانسرا ساخته می‌شده است (حسینی، ۱۳۷۱، ۱۸).

از نمونه‌های دیگر کاروانسراهای وقفی در این دوره می‌توان به کاروانسراهایی اشاره کرد که توسط قاوردشاه در زیر مناره‌های بین کرک و فهرج ساخته شدند. همچنین وی دستور ساخت حوض‌های آبی نیز برای این کاروانسراها داد (منشی کرمانی، ۱۳۶۴، ۱۰).

علاوه بر آن از کاروانسراهای وقفی ساخته شده در این دوره می‌توان به کاروانسرای سربیزن اشاره کرد که در زمان ملک محمد (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳، ۳۴). از پادشاهان سلجوقی کرمان وقف شده بود (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳، ۴۲). نویسنده‌ی کتاب سلجوقیان و غز در کرمان فقط نامی از این کاروانسرا ذکر کرده است و به جزئیات ساخت و مکان ساخت آن به طور دقیق اشاره نکرده است، که با توجه به گفته‌های وی، به نظر می‌رسد این کاروانسرا باید در یکی از شهرهای بردسیر (کرمان امروزی)، بم یا جیرفت ساخته شده باشد. مؤلف کتاب تاریخ افضل نیز از این کاروانسرا در کتاب خود نام برده است و نیز اشاره کرده است که اطلاعاتی از این کاروانسرا از مؤلفان دیگر نشنیده است (منشی کرمانی، ۱۳۶۴، ۲۷). یکی از خدمات عمومی در این دوره تاسیس کاروانسراها بود که به وضع مسافرین و امنیت راهها و افراد بی بضاعت مرتبط می‌شد. دلیل این امر را می‌توان از آن جهت دانست که امنیت راهها باعث افزایش و رونق تجارت می‌شد و هم چنین با جذب مسافران، حاکمان، قدرت و شوکت خود را

۵-۳-۳. حفر قنات و چاه‌های آب

آب و دسترسی به آن از جمله‌ی ابتدایی‌ترین نیازهای بشر برای ادامه‌ی حیات خویش است. یکی از مصارف عام‌المنفعه در وقف نامه‌ها نیز، وقف بر قنات‌ها و آب انبار و چاه‌های آب بوده است که علاوه بر تأمین آب آشامیدنی مردم منطقه برای حیوانات ایشان نیز، در مناطق خشک مسئله‌ای حیاتی بوده است، با توجه به اینکه بسیاری از مناطق ایران مانند کرمان و شیراز و ... دارای آب و هوای گرم و خشک هستند، نیاز این مناطق به چاه و قنات، برای تأمین آب آشامیدنی و آب کشاورزی بسیار بالا بود، ولی با مراجعه به منابع، در این خصوص در این دوره موقوفات زیادی به چشم نمی‌خورد یا اگر بوده به دست ما نرسیده است. یکی از نقاطی که به ویژه اطلاعات بیشتری از آن در دوره‌ی سلجوقی در دست است، یزد، کرمان و نواحی اطراف است (کریمیان، ۱۳۸۲، ۲۲). با توجه به موقعیت جغرافیایی کرمان که دارای آب و هوای خشک است چاه آب در این منطقه بسیار بوده است که تعدادی از این چاه‌های آب نیز وقف شده بودند که به عنوان نمونه می‌توان به یکی از اقدامات عام‌المنفعه‌ی قاورد اشاره کرد که در نزدیک شهر یزد چاه آبی ساخت که این چاه به نام خود وی، به چاه قاورد مشهور شد. یکی دیگر از نقاطی که دارای قنات‌های وقفی در این دوره بوده است.

از موقوفاتی که در این دوره در زمینه حفر قنات صورت گرفته است می‌توان به حفر قناتی توسط امیرخمار تا شاشاره کرد، این قنات یکی از قنات‌های معروف قزوین بوده است. امیرخمارتاش دوازده هزار دینار نیز برای این قنات اختصاص داده بود (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۵۱). آب این قنات وقف به محلات "گوسفند میدان"،

"دیسج"، "سکه شریحان"، "دباغان" و "پایین محله" (کریمیان، ۱۳۸۲، ۲۲). بوده است.

همچنین از جمله قنات‌های وقفی در این دوره قنات آخوند است. بنا بر برخی روایات تاریخ وقف این قنات، سال ۴۵۴ ه.ق است. بر طبق وقف نامه، نام این قنات «نوک» است. نام پیشین محله‌ی آخوند که یکی از محلات قدیمی قزوین است، «بندر دخت» بوده است، ولی به مناسبت اقامت آخوند ملاً خلیل (گلرین، ۱۳۷۳، ج ۱، ۲۹۸) در این محل به آن نام مشهور شده است. برخی نیز ایجاد و یا لارویی و باز زنده سازی این قنات را مربوط به آخوند ملاً خلیل می‌دانند، می‌گویند او با پولی که نادر در اختیار او می‌گذارد، این مهم را برای رفع مشکل کم‌آبی شهر انجام داد (کریمیان، ۱۳۸۲، ۲۲). تاریخ وقف نامه سال ۴۵۴ ق ذکر شده است که با توجه به انشای آن از یک‌سو و اینکه حمدالله مستوفی به آن اشاره‌ای نکرده است نمی‌تواند تاریخ درستی باشد.

۵-۴. ضرورت استفاده از کارکردهای اقتصادی وقف

ظاهر وقف آن است که وقف در زمره‌ی مسائل اقتصاد مردمی بوده و علما و محققان دین در تقسیم‌بندی فقه آن را در ناحیه عقود رده‌بندی کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ۵۷۲۰-۵۷۱۹). لذا مسلماً وقف از جمله مصادیق احکام اقتصادی اسلام است که پیامدهای اقتصادی آن در نظام کلی اقتصاد اسلامی و معیشت مردم همواره مورد توجه اصلی محققان و عامه مردم قرار گرفته است.

از متون اسلامی به خوبی روشن است که اسلام خواهان زدودن همه جوانب و زوایای فقر در جامعه است. «مسئولیت دولت و نظام اسلامی، به

فراهم می‌نماید. بنابراین می‌توان از طریق بسط و گسترش نهاد وقف در جامعه، زمینه مناسبی برای توسعه کار آفرینی و در نتیجه ایجاد اشتغال در جامعه فراهم کرد.

کوشش در جهت ایجاد منابع متنوع و پایدار برای افزایش تولید و درآمد در جامعه از اهداف اساسی به شمار می‌رود. و هر کشوری با توجه به فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود به این امر اهتمام می‌ورزد. اعتقاد بر آن است که رشد و توسعه اقتصادی زمانی ارزشمند است که منافع حاصله‌اش متوجه عموم جامعه باشد. موقوفات به‌عنوان بخشی از سرمایه‌های اقتصادی جامعه می‌توانند بسیاری از نیازهای مادی جامعه به ویژه محرومان و فقرا و مستمندان را برطرف کنند. بدیهی است که در این صورت وقف دارای نوعی آثار مثبت خواهد بود که برای گسترش رفاه عمومی و بالابردن کارایی اقتصادی بسیار ارزشمند است (صفایی پور، ۱۳۹۳، ۹۲). همچنین وقف می‌تواند در توسعه سرمایه‌گذاری در جامعه تأثیرگذار باشد. یکی از مهم‌ترین عناصری که در ادبیات رشد و توسعه از آن به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه و حتی تنها عامل توسعه و یا موتور توسعه یاد کرده‌اند، سرمایه فیزیکی است. برخی از اشکال سرمایه فیزیکی عبارت‌اند از: (۱) سرمایه ثابت اقتصادی: این سرمایه شامل تأسیسات عام‌المنفعه، وسایل حمل‌ونقل، راه‌ها، خطوط راه‌آهن، برق، گاز، ارتباطات، ابنیه و ساختمان‌ها است. (۲) سرمایه مولد اقتصادی: کالاهای مصرفی با استفاده از این سرمایه‌ها تولید می‌شوند. ماشین‌آلات تولیدی، کارخانجات و ادوات کشاورزی نمونه‌هایی از سرمایه‌هایی هستند که در اقتصاد از اهمیت زیادی برخوردارند. وقف می‌تواند به انباشت سرمایه در جامعه کمک کند. نهاد

جز تأمین نیازهای حیاتی و ضروری افراد، این است که یک سطح زندگی متناسب با شرایط و مقتضیات روز را برای افراد تضمین نماید و آن‌ها را به یک حد از رفاه (عمومی) برساند و یکی از ابزار مهم دولت اسلامی برای تحقق این هدف کفالت همگانی مسلمانان در برابر یکدیگر به معنای احساس مسئولیت متقابل و عمومی است» (صدر، ۱۳۷۵، ج ۲، ۳۲۲). از امام صادق (ع) نقل است که: «خداوند برای فقرا در اموال ثروتمندان به‌قدر کفایت (و اداره زندگی آنان به‌خوبی) قرار داده است و اگر این مقدار آن‌ها را کفایت نمی‌کرد، بیشتر قرار می‌داد و این مشکلات فقرا از ناحیه کسانی است که آن‌ها را از حقشان باز می‌دارند» (مجلسی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ۸۶). امام باقر (ع) نیز می‌فرماید: «إذا أعطیت فاغنه»، (هرگاه انفاق می‌کنی طرف را بی‌نیاز نما) (مجلسی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ۸۶). در حدیث دیگری امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند همه نیازهای فقرا را در نظر گرفته است، از هزینه‌های غذا و پوشاک و ازدواج گرفته تا هزینه صدقات مستحبی و حتی هزینه انجام حج آنان» (مجلسی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ۱۰۲). «در فرهنگ دینی، پدیده وقف درست در نقطه مقابل فقر قرار دارد. با گسترش وقف پول، میزان فقر و محرومیت در جامعه کاهش می‌یابد. زیرا فقر یکی از راه‌های جلوگیری از تراکم ثروت بوده و با از بین رفتن تراکم ثروت، سرمایه جامعه در اختیار همگان قرار می‌گیرد و با بهره‌مند شدن همگان از امکانات رفاهی و اقتصادی، زمینه تکامل در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز فراهم می‌شود» (صفایی پور؛ زرگر؛ شوشتری؛ داری پور، ۱۳۹۳، ۹۲). وقف زمینه مناسبی برای توسعه فعالیت‌های مختلف اقتصادی از جمله فعالیت‌های کشاورزی، گردشگری، صنایع‌دستی در جامعه

وقف می‌تواند با سرمایه‌گذاری در امور عام‌المنفعه مرتبط با هدف‌های امنیت، معنویت، رشد اقتصادی و عدالت که اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد اسلامی دارند به انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی و در نتیجه به رفاه عمومی کمک کند. ساخت اماکن عمومی مانند مسجد، مدرسه، بیمارستان جاده‌ها و ...، تأسیس صنایع کوچک و وقف درآمد آن‌ها برای نیازمندان از مصداق‌های مهم سرمایه‌گذاری در امور عام‌المنفعه است (صفایی پور؛ زرگر؛ شوشتری، داری پور، ۱۳۹۳، ۱۰). از منظر توسعه سرمایه انسانی نیز نهاد وقف با ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها، مراکز مشابه به انباشت سرمایه انسانی کارآمد کمک بی‌نظیری کرده است. بیشتر محققان و مورخان به نقش موقوفات در توسعه علم و دانش و سلامت اشاره کرده‌اند (جهانپان، ۱۳۹۶، ۱۰۸).

وقف می‌تواند بر تحقق عدالت اقتصادی نیز تأثیرگذار باشد. وقف عامل بسیار مهمی در جلوگیری از تجمع و تمرکز ثروت در جامعه است. وقف به عنوان یک نهاد فقهی و حقوقی علاوه بر رشد اقتصادی - با توجه به خدماتی که در بخش‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی قادر به انجام آن است - در توسعه اقتصادی (تحول دگرگون ساز در بنیان‌ها و نهادهای اقتصادی) نیز می‌تواند تأثیر برجای گذارد و در استقرار عدالت اجتماعی که هدف غایی توسعه اقتصادی در جامعه است سهم قابل ملاحظه‌ای ایفا نماید. در سده‌های اخیر، همواره مباحث توزیع درآمد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. توزیع درآمد یکی از مباحث و موضوعات مهم اقتصاد بوده و تمامی دولت‌ها بهبود توزیع درآمد در جامعه را در صدر برنامه‌های خود قرار داده‌اند. کیفیت توزیع درآمد می‌تواند بر بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی

انسان اثر بگذارد. نابرابری درآمد پیامدهای اجتماعی و اقتصادی منفی را در جامعه به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین آثار اقتصادی وقف تحدید تکاثر می‌باشد. وقف رویکردی است که بدون هرگونه اختلاف، درگیری و عدم رضایتی انتقال ثروت‌ها را در پی دارد که در عین حال مانعی بر تکاثر ثروت محسوب می‌شود. وقف برخلاف شیوه‌های دیگر انتقال ثروت (نظیر ارث و ...) عموماً افراد محتاج و امور عام‌المنفعه را در برمی‌گیرد که عملاً در تأمین عدالت اجتماعی اثربخش‌تر خواهد بود. هدف رویکرد اقتصادی وقف آن است که سطح زندگی افراد طبقات پایین جامعه که نمی‌توانند نیازمندی‌های زندگی خود را بدون کمک دیگران رفع نمایند بالا بیاورد و از فاصله طبقاتی کاسته شود (امام‌جمعه زاده، ۱۳۷۲، ۷۴). وقف می‌تواند وسیله مناسبی برای توزیع مجدد و حمایت مستقیم و غیرمستقیم از اقشار آسیب‌پذیر جامعه باشد. نظام وقف از سازوکارهای عدالت اجتماعی و وسیله‌ای صلح‌آمیز به‌منظور توزیع مجدد درآمد، بدون هرگونه اجبار و مداخله قدرت سیاسی به شمار می‌آید. وقف رویکردی است که بدون هرگونه اختلاف، درگیری و نارضایتی، انتقال ثروت را در پی دارد و ترمزی بر تکاثر و جهشی به سوی رهایی بینوایان از فقر به شمار می‌آید (مرادعلیان، ۱۳۹۵، ۷۹).

در کل وقف یکی از فعالیت‌ها و نهادهای مهم اقتصادی است که جنبه عام‌المنفعه دارد و در توسعه اقتصادی جامعه از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

۵-۶. تفاوت تراست با وقف

تراست، تعهد مبتنی بر قاعده انصاف است که تراستی را مکلف به اداره و نگهداری از مال

قانونی داشته باشد به موجب تراست صریح می‌تواند تراستی شود. حقوقدانان انگلیسی شرایط مذکور در فوق را از جمله شرایط احراز سمت تراستی دانسته‌اند ولی به نظر می‌رسد که در عمل کفایت نیز از جمله تراستی قلمداد می‌شود، ولو اینکه ضمن بیان شرایط احراز، سمت تراستی بیان نگردیده است. زیرا یکی از وظایف تراستی این است که وی باید مانند شخص بازرگان با فراستی که از اموال خود مواظبت می‌کند، از اموال تراست، مواظبت نماید (دادینگتون، ۲۰۰۶، ۱۱۷). آیا انجام این وظیفه را می‌توان از کسی که کفایت و توانایی انجام آن را داشته باشد، انتظار داشت؟ پس می‌توان نتیجه گرفت که این شرط عملاً از شرایط احراز مقام تراستی است، مضافاً به اینکه حقوقدانان انگلیسی گفته‌اند: اگر تراستی قبلی کفایت اداره تراست را نداشته باشد تراستی دیگری جایگزین وی خواهد شد (بارکر؛ کالین، ۲۰۰۷، ۲۴۹). بنابراین می‌توان گفت که یکی از شرایط احراز مقام تراستی کفایت است. متولی در وقف همان تراستی در تراست است.

در مقام مقایسه شرایط تراستی با متولی هویداست که این دو در شرایط مذکور در فوق باهم شباهت دارند.

تراستی امکان فروش مال بر طبق دستور تراست یا مقررات قانونی را داشته و می‌تواند آن را به مال دیگر تبدیل یا سرمایه‌گذاری ایمن نماید و همچنین در صورت دستور به فروش مال در سند تراست، مکلف به فروش آن طبق دستورات و با حداکثر قیمت می‌باشد. در مقام تطبیق طبق ماده ۵۵ قانون مدنی وقف عبارت است از این که عین مال، حبس و منافع آن تسبیل شود، بدین اعتبار که در وقف عین مال حبس می‌گردد و به جز

موضوع تر است می‌نماید تا مال مذکور را به نفع ذینفعان یا اهداف مشخص شده در تراست نگهداری نماید و در صورت سکوت تراست، طبق قانون عمل بنماید. تراست، مفهومی بنیادین در حقوق انگلیس دارد و برگرفته از قاعده حقوقی انصاف در حقوق انگلیس است (رنه، ۱۳۶۴). در تراست، شخصی به عنوان تشکیل دهنده و ایجادکننده تراست که از آن به عنوان تراستر هم یاد می‌کنند اعلام می‌کند که بخشی از اموال او، توسط یک یا چند نفر امین (تراستی) به نفع یک یا چند شخص و یا گروه ذینفع دیگر اداره شود و منافع مال به ذینفع و مطابق هدف موردنظر مالک اصیل و دستوالعملی که او تعیین نموده تعلق می‌گیرد و به تراستی تعلق ندارد (بارکر؛ کالین، ۲۰۰۷، ۲۴۹). تراست بر پایه اراده مالک اصیل شکل می‌گیرد (هایتون، ۲۰۰۵، ۶). وقف نیز بر پایه اراده شکل می‌گیرد. وقف به معنی نگاه داشتن دایمی اصل مال و بهره‌برداری از منافع آن برای خیرات است (سلیمی فر، ۱۳۷۰، ۱۱). در اصطلاح فقهی، وقف عقدی است که نتیجه آن، حبس کردن اصل و رها کردن ثمره آن است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ۴۷)؛ به طوری که موجب خروج مال از ملک شود، مگر مواردی که چنین صرفی استثنا شده است. به عبارت دیگر، وقف یعنی حبس کردن چیزی از طرف مالکش به وجهی که فروش آن ممنوع باشد، به ارث منتقل نشود، قابل هبه و بخشش نباشد، رهن، اجاره، عاریت و از این قبیل موارد داده نشود و صرف کردن آن مال و بهره‌برداری از منافع آن، در جهتی باشد که واقف، آن را معین کرده است (امینی؛ آیتی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۱۶۳).

تراستی باید بالغ و عاقل و دارای اهلیت قانونی باشد. پس هر شخص بالغ و عاقلی که اهلیت

معدود مواردی که شرح خواهیم داد، اصولاً امکان فروش عین موقوفه یا تقسیم آن بین موقوف علیهم وجود ندارد و در صورتی که شرایط فروش مهیا شود، به اقرب به غرض واقف مبدل خواهد شد و میان موقوف علیهم تقسیم نخواهد شد که این مورد یکی از تفاوت‌های بنیادین تراست و وقف می‌باشد.

در تراست، تراستیه‌ها بر طبق حقوق کامن‌لا مالک زمین می‌باشند و ذینفعان بر طبق قاعده انصافاً مالک منافع آن هستند، فلذا تراستیه‌ها طبق قانون امکان فروش زمین برای افزایش سرمایه را دارند، البته این مهم نیز می‌تواند طبق سند تراست به ایشان اعطا شود یا محدودیت‌هایی در سند تراست بر آن اعمال گردد. در صورت سکوت سند تراست و قانون و در صورتی که فروش الزامی باشد ولی سند تراست خلاف آن را دستور داده باشد، تراستی‌ها می‌توانند برای کسب تکلیف به دادگاه صالح مراجعه نمایند.

«در وقف، اداره و مصرف آن تنها برای رسیدن به هدف واقف امکان دارد که از دارایی او جدا گشته و اصالت و استقلال یافته است» (امامی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۷۳). در وقف دو مسئله قابل بررسی است: اولاً تحبیس یا حبس نمودن اصل مال؛ مقصود از حبس نمودن اصل مال این است که پس از اجرای صیغه عقد وقف و اقباض موقوفه، عین موقوفه قابل نقل و انتقال نمی‌باشد (برخلاف تراست که قابل انتقال و فروش است و مراد از انتقال هم این است که مورد وقف، قابل فروش و اجاره و رهن قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر هیچ تصرفی از لحاظ حقوقی بر عین موقوفه حاصل نمی‌گردد، به همین دلیل واقف قبل از وقف، مالک مطلق اموال خویش می‌باشد و می‌تواند هر نوع

دخل و تصرف در اموال شخصی خویش داشته باشد، ولی پس از عقد وقف و تحقق حقوقی آن، [حق] هیچ‌گونه تغییری و یا تصرفی در مورد وقف نخواهد داشت؛ زیرا به وسیله عقد وقف، موقوفه از ملکیت واقف خارج شده و رابطه او با ملک موقوفه قطع شده است و واقف نسبت به عین وقفی بیگانه می‌گردد. ثانیاً رها کردن منافع است؛ مراد از رها کردن منافع مورد وقف، این است که منافع عین موقوفه به صورت تبعی برای عموم مردم و در مصالح خاص و در راه خدا و امور خیر وقف می‌گردد و انتفاع از وقف به صورت ابدی است (پور صادق کُردی، ۱۳۸۷، ۵۷-۵۸). برخلاف تر است که برای ابد نیست و محدودیت زمانی قانونی دارد. مراد از حبس نمودن عین مال؛ یعنی نگاه داشتن از نقل و انتقال و همچنین تصرفاتی که موجب تلف عین موقوفه گردد. مقصود از تسبیل منافع و یا اطلاق آن نیز مباح کردن و آزاد گذاشتن منافع، برای موقوف علیهم است.

در مقام تطبیق تراستی و متولی، «طبق ماده ۷۵ قانون مدنی واقف می‌تواند تولیت یعنی اداره کردن امور موقوفه را مادام الحیاه یا در مدت معینی برای خود قرار دهد و نیز می‌تواند متولی دیگری معین کند که مستقلاً یا مجتمعاً با خود واقف اداره کند. تولیت اموال موقوفه ممکن است به یک یا چند نفر دیگر یک مستقلاً یا منضمماً اداره کنند و همچنین واقف می‌تواند شرط کند که خود او یا متولی که معین شده است نصب متولی کند و یا در این موضوع هر ترتیبی را که مقتضی بداند قرار دهد که در حقیقت معادل مقام تراستی در تراست می‌باشد» (ابهری؛ رضیان، ۱۳۸۶، ۱۶).

۶. نتیجه‌گیری

دوره سلجوقیان مصادف با رونق وقف و اوقاف بود. یکی از مهم‌ترین مصارف وقف در این دوره وقف در امور اقتصادی و رفاهی بوده است. بسیاری از خدمات مانند ایجاد کاروانسرا، ایجاد و تعمیر راه‌ها به وسیله وقف صورت می‌گرفته است. ایجاد قنات‌ها نیز از درآمد وقف و یا وقف این مراکز برای امور عام المنفعه موجب افزایش رفاه اجتماعی در این دوره شد. ثبات سیاسی و امنیت جامعه در دوران سلجوقیان بزرگ باعث رونق اقتصادی گردید که بخشی از آن تحت تاثیر وقف صورت گرفت. وقف به عنوان یک نهاد فقهی و حقوقی علاوه بر رشد اقتصادی - با توجه به خدماتی که در بخش‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی قادر به انجام آن است - در توسعه اقتصادی (تحول دگرگون ساز در بنیان‌ها و نهادهای اقتصادی) نیز می‌تواند تأثیر برجای گذارد به طور کلی می‌توان برای وقف وظایف متعددی از قبیل رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری، و حذف فقر مطلق، ایجاد اشتغال، افزایش مشارکت مردم در امور اجتماعی و.. لحاظ کرد. این وظایف باعث افزایش انباره ثروت مادی و انسانی برای عموم مردم شده و رفاه عمومی را به ارمغان می‌آورد. یکی از نکات قابل توجه در اثرگذاری بیشتر این نهاد در جامعه، انجام مشاوره‌های فنی و هدایت واقفین در خصوص نیازهای روز جامعه در حوزه‌های مختلف از جمله تولید و اشتغال می‌باشد.

در خصوص تفاوت نهاد وقف با تراست نتایج نشان داد هدف از تراست و وقف، ایجاد منافع برای ذینفعان می‌باشد، در وقف عین مال حبس می‌گردد و فقط منافع طبق دستورات وقف، به ذینفعان تعلق می‌گیرد و ایشان هرگز حقی بر

در مقام قیاس و از نظر شباهت، هم متولی موقوفه و هم تراستی تراست هر دو مکلف به انجام امور طبق سند وقف و سند تراست بوده و می‌بایست اصل امانت‌داری را رعایت نمایند، وگرنه موجبات ضم امین یا سلب اختیار و یا عزل ایشان فراهم می‌آید. ولی در خصوص تفاوت آن‌ها؛ اولاً در وقف، متولی، وکیل واقف نیست، بلکه مدیر وقف است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۱۱۳). ثانیاً عین موقوفه به متولی وقف انتقال داده نشده و ایشان مالکیتی ندارند که بتوانند مال موقوفه را به فروش رسانند و فقط در موارد جواز بیع طبق آنچه در ادامه توضیح داده می‌شود، می‌توانند اقدام به فروش طبق مقررات نمایند.

در مقام تطبیق در وقف چنین نیست، بدین معنی که واقف نمی‌تواند در سند وقف، مجوزی برای فروش مال موقوفه تعیین نماید، چون با عمل به وقف و تحقق آن، عین مال حبس می‌گردد و جواز بیع به دستور واقف یا متولی صورت نمی‌پذیرد، بلکه اگر شرایط جواز بیع طبق قانون فراهم آید، طبق قانون عمل خواهد شد. تفاوت بنیادین تراست و وقف در این است که تراست این امکان و اختیار را دارد که در سند تراست، شرایطی برای فروش مال تراست تعریف نماید و یا حتی در صورت سکوت تراست، قانون شرایطی را به صورت پیش‌فرض تعیین نموده که در صورت سکوت سند تراست و نیاز به فروش، طبق قانون عمل می‌شود و همچنین در صورت سکوت قانون، دادگاه صالح تعیین تکلیف می‌نماید که این موارد از اساس با وقف متفاوت هستند.

منابع فارسی

- ابن سلمان، ابوسعید، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، چاپ اول، تهران، سازمان اوقاف، ۱۳۷۲.
- ابهری علی‌آبادی، حمید؛ رضیان، عبدالله، «مفهوم و ماهیت وقف و وضعیت مالکیت مال موقوفه در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران»، مجله مقالات و بررسی‌ها، شماره نود و ششم، ۱۳۸۶.
- احمدی، نزهت، «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی»، مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره اول، ۱۳۶۸.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد، بدایع الزمان فی وقایع کرمان، تصحیح مهدی بیاتی، تهران، انتشارات چاپخانه دانشگاه، ۱۳۲۶.
- امام‌جمعه زاده، سید جواد، «نقش وقف در بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامه میراث جاویدان، شماره دوم، ۱۳۷۲.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۸۵.
- امینی، علیرضا؛ آیتی، محمدرضا، تحریر الروضه فی شرح اللمعه، جلد اول، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
- پور صادق گردی، عمار، وقف، چاپ اول، شیراز، انتشارات کوشا مهر، ۱۳۸۷.

عین موقوفه ندارند و نمی‌توانند درخواست تقسیم عین موقوفه بین موقوف علیهم را بدهند و متولی نیز نمی‌تواند چنین اقدامی بنماید و واقف هم امکان وضع چنین دستوری ندارد. ولی در صورتی که عین موقوفه خراب شود، امکان فروش آن طبق قانون و تبدیل به اقرب به غرض واقف فراهم است و مجدداً عین مال حبس می‌گردد؛ اما در تراست اصولاً عین منافع به رسم امانت و طبق حقوق کامن لا و به تراستی منتقل شده است و پس از مدتی باید به ذینفعان انتقال یابد و نیز در صورتی که طبق تراست امر به فروش شده باشد، باید این مهم انجام پذیرد و نیز در صورتی که منافع ذینفعان ایجاب کند که مال به فروش برسد، این مهم نیز باید طبق سند تراست و حتی در صورت سکوت یا نهی آن در سند تراست، با مراجعه به دادگاه صالح طبق قانون انجام پذیرد تا منافع ذینفعان تضمین گردد، زیرا هدف از تراست، حفظ منافع ذینفعان بوده است؛ یعنی برخلاف وقف، در تراست اولاً عین مال برای همیشه حبس نمی‌شود و در نهایت به ذینفعان انتقال می‌یابد، ثانیاً امکان فروش مال فراهم و در صورت لزوم اجباری است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

- پیرنیا، محمد کریم، افسر کرامت الله (راه و رباط)، چاپ دوم، تهران، انتشارات آرمین، ۱۳۷۰.
- توران، عثمان؛ فخری، حجت، «وقف نامه‌های دوران سلجوقی»، فصلنامه وقف میراث جاوید، شماره بیست و نهم، ۱۳۷۹.
- جهانیان، ناصر، «چارچوب طراحی اقتصاد وقف»، دو فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، شماره ششم، ۱۳۹۶.
- حسینی، سید محسن، راه و رباط، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- حسینی، صدرالدین علی بن ناصر بن علی، زبده التواریخ، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- دانش‌دوست، یعقوب، «رباط شرف»، نشریه فرهنگ و هنر، شماره پنجم، ۱۳۶۰.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، چاپ اول، تهران، چاپخانه‌ی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- ریاحی سامانی، نادر، وقف و سیر تحولات قانون‌گذاری در موقوفات، چاپ اول، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۷۸.
- سلطانی نژاد، فاطمه؛ طیبی، سید محمد، «واکاوی نهاد وقف در دوره سلاجقه کرمان (۵۸۳-۴۳۳ ه.ق)»، پژوهشنامه تمدن اسلامی، شماره دوم، ۱۴۰۰.
- سلیمی فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی اجتماعی آن، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- صادقی گلدره، احمد، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، چاپ اول، تهران، انتشارات کومه، ۱۳۶۲.
- صداقت کیش، جمشید، «کاروانسراها»، فصلنامه میراث جاویدان، شماره پنجاه و هشتم، ۱۳۸۶.
- صدر، محمدباقر، اقتصاد ما، جلد دوم، چاپ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مرکز انتشارات، ۱۳۷۵.
- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، تهران، فردوس، ۱۳۷۸.
- صفایی پور، مسعود، زرگر، زهرا؛ شوشتری، محمدمبین؛ داری پور، نادیا، «بررسی تأثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز، مطالعه موردی منطقه یک»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره شانزدهم، ۱۳۹۳.
- طاهر، غلامرضا؛ افشار، ایرج، المختارات من الرسائل، انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۸.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات حقوقی میزان، ۱۳۸۹.
- کریمیان، علی، «احیای قنوات قزوین به استناد منابع و اسناد آرشیوی»، نشریه گنجینه اسناد، شماره پنجاه و یکم و پنجاه و دوم، ۱۳۸۲.
- گلریز، سید محمدعلی، مینو دریا (باب الجنه قزوین)، جلد اول، چاپ اول، تهران،

منابع عربی

- انتشارات طه با همکاری مرکز نشر میراث فرهنگی قزوین، ۱۳۷۳.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- لمبتون، آن کاترین سواين فور، مالک و زارع در ایران، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- محمد بن ابراهیم، سلجوقیان و غز در کرمان، چاپ اول، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۴۳.
- مرادعلیان، لیلا، «نهاد وقف و کارکرد آن در دوره سلطنت ناصرالدین شاه (با تأکید بر اسناد آرشیو ملی ایران)»، فصلنامه آرشیو ملی، شماره سوم، ۱۳۹۵.
- مرسل‌پور، محسن، تاریخ سلجوقیان کرمان، کرمان، انتشارات کرمان شناسی، ۱۳۷۸.
- منشی کرمانی، ناصرالدین، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
- نیشابوری، ظهیرالدین، سلجوق نامه، چاپ اول، تهران، نشر کلاله، ۱۳۳۲.
- ابن اثیر، محمد بن محمد بن عبدالواحد شیبانی، الکامل فی التاریخ، جلد سیزدهم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، التدوین فی اخبار قزوین، جلد اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، راحه الصدور و آیه السرور، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- کاشانی، انوشروان بن خالد، تاریخ دوله آل سلجوق، بی‌جا، دارالرائد العربی، ۱۳۳۶.
- مجلسی، محمدباقر، مرآه العقول، جلد شانزدهم، تهران، در کتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- منتجب الدین بدیع، علی بن احمد، عتبه الکتبه، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، جلد چهاردهم، قم، موسسه آل البيت الاحیاء التراث، ۱۴۰۸.

منابع انگلیسی

- D. L. A. Barker, Colin F. Padfield, Law Made Simple, Butterworth-Heinemann, 2007P; 249.
- Duddington, J.. Essentials of Equity and Trusts Law. Pearson Education, 2006, P; 117.
- Hayton, D. J., Marshall, S. O. R., & Mitchell, C. C. J.. Hayton and Marshall Commentary and cases on the law of trusts and equitable remedies. Sweet & Maxwell, 2005, P; 6.

